

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه مطالب گذشته

فرمایش مرحوم محقق نائینی(ره) را در این مسئله ملاحظه فرمودید، بحث در این بود که، آیا اطلاق یک خطاب اقتضا می کند که، مکلف عمل را از روی اختیار انجام دهد، یا اعم است و اگر عمل، ولو بدون اختیار هم انجام شود، امتثال از مکلف محقق می شود؟

فرمایش مفصل مرحوم نائینی(ره) را بیان کردیم و همچنین اشکالاتی که مرحوم آقای خوئی(قدس سره الشریف) داشتند و آن مطالبی که به ذهن رسید عرض کردیم.

نظریه محقق عراقی(ره) در ما نحن فیه

از مجموع فرمایش مرحوم محقق عراقی(قدس سره الشریف)(در کتاب نهاییه الافکار) استفاده می شود که، از راه اطلاق ماده وارد می شویم. ماده همان متعلق تکلیف و خطاب است، مثلاً در «[أَقِيمُوا الصَّلَاةَ](#)» صلاه ماده و متعلق برای تکلیف است.

ایشان فرموده اند: این ماده و متعلق اطلاق دارد، یعنی دلالت دارد بر این که، مصلحت یا از روی عدم اختی ملزمه و یا غرض مولا مطلقاً قائم به این عمل هست، چه این عمل، یعنی صلاه از روی اختیار انجام گیرار، در این ماده یک چنین اطلاقی وجود دارد.

بعد فرموده اند: بعضی گفته اند: اطلاق در باب هیئات، انصراف به اختیاری بودن دارد و این انصراف در اطلاق هیئت به ماده هم سرایت می کند و لذا ماده را هم باید بگوییم که: در فرضی هست که، اختیاری باشد.

مرحوم محقق عراقی(ره) فرموده اند: آنچه هیئت امر را به اختیاری بودن تقید می زند، یک قرینه منفصله عقلیه است که، این هیئات را انصراف می دهد و مقید می کند به آن صورتی که، این عمل اختیاری باشد، اما دامنه این قرینه منفصله عقلیه، اینقدر وسیع نیست که، اطلاق ماده را هم از بین ببرد.

مرحوم محقق عراقی(ره) فرموده اند: در موارد متعددی از مباحث علم اصول گفتیم که: اگر کلامی دارای ظهورات و دلالات متعدد باشد، این چنین نیست که، اگر یک دلالتش از حجیت ساقط شد، بقیه دلالت های آن هم از حجیت ساقط شود.

«صل» یک دلالت هیئتی دارد و یک دلالت بحسب ماده، دلالت هیئتش ابتدائاً اطلاق دارد و ابتدائاً اطلاقش، هم صورت اختیار و هم صورت غیر اختیار را شامل می‌شود، ماده هم اطلاق دارد و اطلاقش، هم صورت اختیار و هم صورت عدم اختیار را شامل می‌شود.

حال این قرینه منفصله عقلیه می‌گوید: تکلیف یا بفرموده مرحوم نائینی(ره) بعث خطاب، در صورتی است که، برای اختیاری بودن عمل باشد و در ذهن مکلف و مخاطب ایجاد داعی کند، تا عمل را از روی اختیار انجام دهند.

اگر این قرینه منفصله عقلیه اطلاق خطاب را از بین برد، اطلاق خطاب، اطلاق هیئت را از بین برد، چرا اطلاق ماده هم از بین برود؟ اطلاق ماده به قوت خودش باقی می‌ماند.

البته وقتی مطالب ایشان را جمع کنیم، در اینجا لب فرمایش مرحوم محقق عراقی(ره) به همین دو مطلب بر می‌گردد، یکی این که هم هیئت اطلاق دارد و هم ماده و دوم این که این قرینه عقلیه وقتی آمد، ممکن است اطلاق در هیئت را از بین ببرد، اما اطلاق در ماده بلا معارض بقوت خودش باقی می‌ماند و معنای اطلاق در ماده این است که، این عمل به هر نحوی می‌تواند انجام شود؛ چه عن اختیار انجام شود چه عن غیر اختیار، در این عمل مصلحت وجود دارد، لذا اگر از روی عدم اختیار هم انجام شد، تکلیف امتثال شده و دیگر مجدداً بر مکلف لازم نیست که، این تکلیف را انجام دهد.

اصل عملی جاری در ما نحن فیه

بعد مرحوم عراقی(ره) در ذیل فرمایششان فرموده‌اند: اگر اطلاق را در اطلاق ماده و این اصل لفظی را کنار گذاریم و سراغ اصل عملی برویم، اصل عملی که در اینجا جریان پیدا می‌کند، اصاله البرائت هست، یعنی وقتی که عمل و تکلیف از روی عدم اختیار انجام شد، بعد از آن ما شک می‌کنیم که، آیا تکلیف دیگری هست یا نه؟ در اینجا اصاله البرائت را جاری می‌کنیم.

دلیلی که ایشان ذکر کرده این است که فرموده‌اند: مقام از باب اقل و اکثر استقلالی است، ما یقین داریم که اصل این عمل باید انجام شود، اما آیا قیدی بنام اختیاریت درش دخالت دارد یا نه؟ فرموده‌اند: مقام از باب اقل و اکثر استقلالی است و نسبت به زاید برائت جاری می‌کنیم.

درست در مقابل مرحوم محقق نائینی(ره) که فرموده: اصل عملی که در اینجا جاری می‌شود استصحاب است، نمی‌دانیم این تکلیف که از روی عدم اختیار انجام شد، آیا بعد از انجام شدن، ذمه ما را بری می‌کند یا نه؟ بقای تکلیف را استصحاب می‌کنیم.

مرحوم آقای خوئی(قدس سره) هم در مسئله اصل عملی، اصاله البرائت را بر خلاف استادشان مرحوم نائینی(ره) جاری کرده‌اند، منتها تعلیل مرحوم عراقی(ره) بر اصاله البرائت این بود که، شک ما از قبیل شک در اقل و اکثر استقلالی است و در اقل و اکثر استقلالی باید برائت جاری کنیم، اما مرحوم آقای خوئی(ره) در تعلیل فرموده‌اند: «لشک فی اعتبار امر زاید علی المقدار المعلوم التوجه التکلیف به»، شک داریم در اعتبار یک امر زاید، بر آن مقداری که یقین داریم که، تکلیف به آن توجه پیدا کرده است، که تصریح فرموده‌اند که مسئله از باب اقل و اکثر استقلالی است، بلکه فرموده‌اند شک در زاید داریم و در شک در زاید باید برائت جاری کرد.

دیروز نکاتی را راجع به تفکیک بین آنچه که مصحح تکلیف است و آنچه که حاکم در باب امتثال است عرض کردیم، اینجا این دو مطلب را باید بررسی کنیم؛ یکی این که آیا از نظر لفظی می‌توانیم بگوییم: تکلیف در موردی است که عمل از روی اختیار انجام گیرد. مولا فرموده: «صل»، کجای این خطاب دلالت دارد بر این که، مکلف باید عمل را از روی اختیار و اراده انجام

نظر استاد محترم در این باره

در اینجا همانطوری که مرحوم نائینی (ره) فرموده‌اند: نه از راه هیئت می‌توانیم وارد شویم و نه از راه ماده، هیچ کدام از اینها دلالت بر این مطلب ندارند، پس اصاله الاطلاقي که بتوانیم از آن اختیاری بودن را استفاده کنیم نداریم. لذا ما هستیم و مطلب دوم که، ببینیم اصل عملي چه اقتضایی می‌کند؟

مولا تکلیفی را متوجه ما کرده است و ما هم تکلیف را عن غیر اراده و اختیار انجام دادیم، آیا ذمه ما مشغول است یا نه؟

در بحث قبلی که، تکلیفی متوجه ما شده و دیگری انجام داده، شک می‌کنیم با این که دیگری انجام داد، آیا تکلیف از ذمه ما ساقط می‌شود یا نه؟ فرمایش مرحوم نائینی (ره) را پذیرفتیم که، اینجا جای استصحاب است و باید بقای تکلیف رال استصحاب کنیم.

اما در اینجا فرض این است که، تکلیف و عمل از ما صادر شده، منتها عن غیر اراده و بلا اختیار، لذا در اصل این که این عمل را انجام دادیم و عمل مستند به ماست، تردیدی نیست و شک می‌کنیم که زاید بر این عمل، آیا ارادی و اختیاری بودن هم دخالت دارد یا نه؟

ما تعبیر به اقل و اکثر استقلالی را که مرحوم عراقی (ره) فرموده، درست نمی‌دانیم، اینجا اقل و اکثر استقلالی نیست، چون شک در جزء زاید بنام اختیاریت است که، اقل و اکثر ارتباطی است؛ کسانی که در باب اقل و اکثر ارتباطی اشتغالی‌اند، در اینجا باید اصاله الاشتغال را جاری کنند.

مرحوم آقای خوئی و مرحوم نائینی (قدس سرهما) در اقل و اکثر ارتباطی برائتی‌اند، لذا در اینجا هم برائت را جاری کرده‌اند، مرحوم محقق عراقی (ره) هم در اقل و اکثر ارتباطی، برائتی است، لذا اینجا هم برائت را جاری می‌کند، ولو این که تصریح کرده که اینجا اقل و اکثر استقلالی است.

مسئله از باب اقل و اکثر ارتباطی است، لذا کسانی که در آنجا اشتغالی هستند، در اینجا باید اشتغالی شوند و کسانی که در آنجا برائتی هستند، در اینجا هم باید برائتی شوند.

آیا تکلیف در ضمن فرد محرم هم قابل امتثال هست یا نه؟

اگر مولا تکلیفی را متوجه ما کرد، شک می‌کنیم که آیا این تکلیف، در ضمن فرد محرم هم قابل امتثال هست یا نه؟ آیا اصاله الاطلاق اقتضا دارد که، اگر تکلیف در ضمن فرد محرم انجام شد، ساقط می‌شود؟ مثلاً مولا امر کرده به این که، «اغسل ثوبک»، کسی ثوب را با آب غصبی شوید یا گفته: حج انجام بده، شخص با یک پول غیر مشروع این حج را اتیان کند، اگر مکلف به را در ضمن یک فرد محرم انجام داد، اصاله الاطلاق چه اقتضایی دارد؟

سه نظریه در این مسئله

اینجا سه نظریه وجود دارد؛ یک نظریه، نظریه مرحوم محقق عراقی(ره) است که بصورت مطلق و شجاعانه فتوا داده که، اصاله الاطلاق اکتفاء به امتثال در ضمن فرد محرم را اقتضا دارد. این که می‌گوییم: بصورت مطلق این فتوا را داده، یعنی فرموده: چه قائل به اجتماع امر و نهی شویم و چه امتناع.

مرحوم نائینی(ره) درست در نقطه مقابل ایشان فرموده: اگر مکلف به را در ضمن فرد حرام و مبغوض بیاوریم، اصلا امتثال حاصل نشده است، اگر نماز را در دار غصبی خواندیم، امتثال حاصل نشده، حتی اگر قائل به اجتماع امر و نهی هم شویم، یعنی حتی قائلین به اجتماع امر و نهی هم باید بگویند: نماز و مکلف به و تکلیف با فرد محرم قابل امتثال نیست.

مرحوم آقای خوئی(ره) نظریه سومی داشته و آن این است که، اگر اجتماعی شدیم، می‌گوییم امتثال واقع شده، چون بنابر اجتماع امر و نهی، دو متعلق و دو تکلیف است که، انسان تکلیف و اجبش را انجام می‌دهد، اما اگر امتناعی شدیم، دیگر آنهایی که قائل به امتناع هستند و جانب نهی را بر امر مقدم می‌کنند، بطور کلی امر ساقط می‌دانند.

نظر استاد محترم در این مسئله

واقع مسئله این است که، هرچه فکر کردیم که بین این مسئله و آنچه در باب اجتماع امر و نهی مطرح می‌کنند، چه فرقی وجود دارد؟ فرقی پیدا نکردیم و لذا باید این را هم ببریم در باب اجتماع امر و نهی، اگر اجتماعی شدیم، امتثال محقق شده است و اگر امتناعی شدیم امتثال محقق نشده است.

در نتیجه حق با مرحوم آقای خوئی(ره) است و باید این مسئله را علی‌المبنا قرار دهیم، نه فرمایش مرحوم عراقی(ره) علی‌الاطلاق صحیح است که می‌گوید: چه اجتماعی شویم و چه امتناعی، امتثال حاصل است و نه فرمایش مرحوم نائینی(ره) درست است، بلکه علی‌الاجتماع امتثال حاصل است و علی‌الامتناع امتثال حاصل نیست.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين